

# دربارهٔ حمد و ثنای رشید و طواط

جواد بشری

---

«حمد و ثنا» عنوان فرهنگ مختصری است، عربی به فارسی که با همین واژگان - «حمد و ثنا مبدع بی آلت و مخترع بی غرض و علت را» - آغاز می‌شود و چون نام ویژه‌ای نداشته، به همین عنوان معروف شده است. نکتهٔ اصلی دربارهٔ مؤلف این فرهنگ این است که در دیباچه نامی از او برده نشده است و نمی‌توان به قطع و یقین گفت که او رشید و طواط است یا دیگری، پس باید نخست بررسی کرد که از چه تاریخی آن را به نام «حمد و ثنا» خوانده‌اند و از چه تاریخی به رشید و طواط منسوب شده است.

خوشبختانه متن رسالهٔ مورد بحث، کامل برجاست و البته چاپ نشده باقی مانده، ولی چنانکه گذشت در متن نامی از مؤلف نیست. نخستین کسی که آن را «حمد و ثنا» خواند و آن را از «رشید الدین عمر الوطواط» دانست، شخصی است به نام احمد داعی کرمیانی (قرامانی) رومی که ادیبی حنفی است، او حدود ۸۲۰ هجری درگذشته، او رساله‌ای منظوم دارد به نام عقود الجواهر در حدود ۶۵۱ بیت در موضوع لغت عربی به فارسی - مثل نصاب الصبیان فراهی -، در دیباچه آن رساله - که البته بخش دیباچه‌اش به

نثر است - آورده که: اساس کار خود را حمد و ثنای وطواط قرار داده‌ام (رک: فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، علینقی منزوی، ص ۱۷۹ که دیباچه عقودالجواهر را نقل کرده است).

از آن پس حاجی خلیفه در کشف الظنون «حمد و ثنا» را به عنوان مدخلی قرار داده و آن را از وطواط دانسته است، ولی چنانکه بسیاری چون علینقی منزوی و دکتر تویسرکانی - در مقدمه نامه‌های وطواط - معتقدند، حاجی خلیفه «حمد و ثنا» را ندیده و به اشتباه آن را «منظوم» دانسته است. این اشتباه می‌تواند از آنجا ناشی شده باشد که عقود الجواهر که در دست حاجی خلیفه بوده به نظم است و او تصور کرده که حمد و ثنا هم باید به نظم باشد، که البته حقیقت چنین نیست.

در واقع اکنون با یک مشکل روبه‌رو هستیم و آن اینکه از کجا معلوم که رساله‌ای که در دست ماست و در موضوع لغت است و از قضا با «حمد و ثنا» آغاز می‌شود همان باشد که احمد داعی کرمیانی از آن یاد می‌کند و از وطواط می‌داند؟ اگر این مشکل از راهمان برداشته شود، انتساب این رساله به وطواط تا حدود زیادی قطعی می‌گردد.

برای اثبات این مطلب دو دلیل وجود دارد: یکی کتاب‌شناسانه و دیگری نسخه‌شناسانه.

دلیل کتاب‌شناسانه اینکه: آیا لغاتی که در عقود الجواهر کرمیانی آمده همانهاست که در رساله حمد و ثنای مذکور است؟ من خود هنوز فرصت چنین مقایسه‌ای را پیدا نکرده‌ام، ولی استاد علینقی منزوی آنها را با هم قیاس کرده و به این نتیجه رسیده که دقیقاً به هم مرتبط هستند (رک: فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، ص ۵۸).

بحث نسخه‌شناسانه هم این است که: اولاً نسخه‌های کهن این رساله از چه قرن‌ی است؟ و دیگر اینکه آیا در هیچ یک از این نسخه‌ها، نامی از وطواط برده شده یا نه.

باید گفت کهن‌ترین دستنویس این اثر، در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود، جزء مجموعه‌ای است که شامل نصاب الصبیان است و فصلی از زینة الکتاب ابوالفضل بیهقی - فصلی از زینة الکتاب را نخست مرحوم علی اصغر حکمت در «پارسی نغز» و سپس دکتر صادق کیا، به طور مجزا چاپ کردند. این ابوالفضل بیهقی به احتمال قریب به یقین باید همان ابوالفضل دبیر، مؤلف تاریخ بیهقی باشد - ، به همراه رساله حمد و ثناست. این دستنویس را دکتر قاسم تویسرکانی از نزدیک بررسی کرده - با تأکید بر حمد و ثنا -

و نتیجهٔ بررسی‌های او را به طور انحصاری مورد بهره برداری قرار می‌دهم؛ انجام این دستنویس چنین است: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب، فی شهر شوال سنة ۶۵۶هـ». به نظر ایشان این تاریخ که با عدد است ساختگی است، اما مشخصات املائی کهنه‌ای دارد که قدمت نسبی آن را تأیید می‌کند. رسالهٔ حمد و ثنا در این نسخه، از وسط کمی افتادگی دارد.

به روایت احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۱۹۸۰/۳) و نیز علینقی منزوی در فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، ص (۵۹ - ۶۰) پس از این نسخه، کهن‌ترین نسخه از سال ۹۰۱ ق در قاهره است در قاهره و دیگری از سال ۹۴۴ ق از دکتر صادق کیا و بقیه نسخه‌ها جدیدتر است.

به جز دستنویس‌های مذکور در کتابهای برادران منزوی، ما به واسطهٔ یادداشت ارزندهٔ سعید نفیسی که در اختیار دکتر قاسم تویسرکانی قرار داشته (رک: نامه‌های رشید الدین و طواط، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، صص ۷۶-۷۷)، از سه نسخهٔ دیگر که در کتابخانهٔ ملی سوفا - پایتخت بلغارستان - به شماره‌های ۱۷۴۵، ۲۱۱۲ و ۲۵۱۰ محفوظ است باخبریم. کهن‌ترین این موارد، نسخهٔ ۱۷۴۵ است با ترقیمهٔ زیر: «ألفه رشید الوطواط البلخی - بعون الله و حسن توفیقه و لطف تقدیره - سنة سبع و ثلاثین و تسعمئة». ما به دنبال سندی این چنین بودیم که خوشبختانه آن را یافتیم، یعنی در نسخه‌ای از رشید و طواط نام برده شده است و این همان نکتهٔ تأیید کننده، گم شدهٔ بحث ماست.

با این اطلاعات، تا زمانی که دلیلی ناقص این مطلب که این رساله از و طواط است یافت نشود، باید آن را از و طواط دانست و چه نیکوست هر چه زودتر به تصحیح و چاپ آن اقدام شود. مفتخرم به عرض برسانم که نسخهٔ کتابخانهٔ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته که به تازگی در ردیف گنجینهٔ آن کتابخانه درآمده است، کهن‌ترین نسخهٔ کامل اثر است، چرا که نسخهٔ ملک به گفتهٔ صاحب نظران دارای ترقیمهٔ جعلی است - هرچند کهن است -، همچنین کامل نیست و افتادگی دارد.

در پایان نکته‌ای را متذکر می‌شوم و سپس به نقل آغاز و انجام رسالهٔ حمد و ثنا می‌پردازم، آن نکته اینک: عباس اقبال رسالهٔ لغت رشید و طواط را نقود الزواهر نامیده و گفته که اصل آن در دست نیست (رک: حدائق السحر فی دقائق الشعر، ص «نز» مقدمه).

همچنین سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر، صص ۹۲-۹۳ در ذکر آثار وطواط آورده است: «کتاب کوچکی نیز شامل ترجمه لغات عربی به فارسی به نام نقود الزواهر و عقود الجواهر نوشته است».

طبق بررسیهای دقیق علی نقی منزوی، امروز می‌دانیم که نام رساله، نقود الزواهر نیست. او با هوشیاری تمام ریشه این اشتباه را یافته است و به رفع آن پرداخته (رک: «فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، ص ۱۷۸، قسمت «ب»). نیز با تحقیقات بیشتر بعدی، گفته اقبال که این رساله را خارج از دسترس دانسته و گفته است که در دست نیست، دیگر اعتباری ندارد.

اما آغاز رساله حمد و ثنا و انجام آن به نقل از کتاب دکتر تویسرکانی:

آغاز رساله: «بسم الله الرحمن الرحيم، حمد و ثنا مبدع بی‌مثال و آلت و مخترع بی‌غرض و علت را، و درود بر سید انبیا و واسطه قلاده اولیا، محمد مصطفی، و بر آل و اتباع و اشیاع او باد. بدان که این لفظی چند است از مفردات و مرکبات که بر زبانها متداول است و در نامه‌های پارسی مستعمل. و مبتدی چون این قدر یادگیرد، و در استعمال آورد، عبارت او در محاوره، مکاتبه، مهذب گردد.

فصل: افتتاح و مفاتحه: آغاز کردن کار؛ ختم و اختتام: به پایان بردن کار؛ بدایت و فاتحه: آغاز کار؛ قصاری و خاتمه و نهایت و غایت: پایان کار؛ استیناف: با سرگرفتن؛ استطرف: از نوگرفتن...».

انجام رساله: «صالح و طالح: نیک مرد و بد مرد؛ انتها و ابتدا: آخر و اول».

به گفته دکتر تویسرکانی، در رساله لغت رشید وطواط (حمد و ثنا)، قریب ۱۲۰۰ لغت و ترکیب تازی معنا شده است.